



# دانش سنتی جدید

در جامعه‌ی امروزی ما، در حال رنگ باختن در برابر گسترش علم مدرن هستند. همه‌ی ما شاهد هستیم که اطرفیانمان گاه برای پیشگیری، درمان یا کاستن از درد، به درمان‌های سنتی روی می‌آورند و سلامتی و درمان خود و اطرفیان را در آن‌ها می‌یابند. گیاهان دارویی برجسته‌ترین مثال برای این گونه درمان‌ها به‌شمار می‌آیند. نیک می‌دانیم که داروسازی مدرن ریشه در داروسازی سنتی دارد و از آن تغذیه و رشد می‌کند، و بی‌گمان موافقید که نمی‌توانیم آن‌طور که گاه دانش جدید تمایل دارد، به دانش سنتی نگاهی تحقیرآمیز بیندازیم و علم و رزاق سنتی را افرادی عامی، کم‌سواد و عقب‌مانده به‌شمار آوریم و نیز نمی‌توانیم یکسره خط بطلان بر همه‌ی این تجربه‌های مؤثر و مفید بکشیم و همه را به جرم قدیمی و سنتی بودن، نفی کنیم و بی‌اثر انگاریم. رویکردی علمی و منطقی نیست که آنچه را مردم مؤثر و کارآمد می‌شمارند، نادیده انگاریم و در نفی آن بکوشیم.

از سوی دیگر، اگر دامنه‌ی نگاهمان را اندکی گسترش دهیم و به کاربرد دانش سنتی در جهان امروز بنگریم، به آسانی درمی‌یابیم که در جهان امروز، دانش سنتی نقش مهمی

و آماده‌ی جراحی تومور مغزی کرد. جراحی، شامل اهر کردن جمجمه و برداشتن تومور، بدون درد به پایان رسید و بیمار پس از گذراندن دوره‌ی نقاهت مرخص شد. هنگامی که نقش این چهار سوزن را از پزشک که خود متخصص بی‌هوشی مدرن بود، پرسیدم، پاسخ داد: «این کار فلسفه‌ی خاص خود دارد و با طب مدرن قابل توجیه نیست، ولی همان‌طور که مشاهده کردید، عمل می‌کند و مؤثر است.»

مراد از آوردن این دو مثال از طب چینی، نه پرداختن به این دستاورد شگفت تمدن کهن چین به‌طور خاص، که پیش کشیدن موضوع دانش سنتی جهان است؛ سنت‌هایی که حاصل عمر و زندگی و تجربه‌های پیشینیان ما بوده‌اند، اما در ظاهر

یکی از همراهان ناگهان به‌دردی شدید مبتلا شد. راهنمای چینی ما با سرعت دست او را گرفت و با شست دست خود شروع به فشار دادن نقطه‌ای روی مچ دست بیمار کرد. دقایقی بعد درد فروکش کرد و سپس به‌طور کامل قطع شد. از راهنمای چینی پرسیدم که آیا درس طب سوزنی یا طب فشاری خوانده است؟ او پاسخ داد: «نه، این گونه درمان‌ها را این‌جا همه می‌دانند و به کار می‌برند. کسی در سراسر چین برای این گونه درمان‌ها به پزشک مراجعه نمی‌کند.»

به یاد آمد، سال‌ها پیش در بیمارستانی در تهران، پزشکی در برابر چشمان شگفت‌زده‌ی خبرنگاران، فقط با فرو کردن چهار سوزن در زانوی فردی، او را بی‌حس

به ویژه در رفع نیازهای بهداشتی اکثریت مردم دارد؛ به طوری که در برنامه های سلامت ملی بسیاری از کشورها، کاربردهای سنتی نیز در نظر گرفته شده اند. در بسیاری از جوامع در حال توسعه، اکثر مردم برای رفع نیازهای اولیه خود در زمینه های مراقبت های بهداشتی، به طب سنتی وابسته اند (افریقا ۸۰٪، هندوستان ۶۷٪، چین ۴۰٪، شیلی ۷۱٪، کلمبیا ۴۰٪). چون طب سنتی، به علت گسترده ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی، در دسترس، مقبول و در حد توان خرید اکثر مردم است. مثلاً در مناطق روستایی آفریقا، یک دوایم مردم به متخصصان طب سنتی مراجعه می کنند، در حالی که فقط یک بیست هزارم آنان برای بهره گرفتن از طب مدرن راهی شهر می شوند. امروزه، در بعضی از کشورها مانند چین، کره ی شمالی، کره ی جنوبی و ویتنام، نه تنها طب سنتی را کنار طب مدرن در برنامه های بهداشتی جای داده اند، بلکه برای طب سنتی خود، چه در داخل کشور و چه در مقیاس بین المللی، تشویق و تبلیغ می کنند. بعضی کشورهای دیگر در این باره رویکردی متفاوت در پیش گرفته اند. در این کشورها طب سنتی در کنار طب مدرن در نظام

پزشکی مورد توجه قرار دارد و دانش ورزان سنتی در کنار دانشمندان مدرن هستند. مثلاً در پرو و تایلند، طب سنتی به طور رسمی کاربرد دارد و کارکنان طب سنتی نیز مجوز کار می گیرند. در ترکمنستان، کشور همسایه ی ما، به پزشکان سنتی به عنوان «طیب» مجوز کار داده می شود. سازمان سلامت جهانی به تازگی بر توجه خود به اهمیت دانش پزشکی سنتی افزوده است. این سازمان نخست برای یکدست کردن تعریف های متعدد و متناقضی که برای طب سنتی وجود دارد، تعریفی یگانه پیشنهاد کرده است: «طب سنتی دانشی است که بر پایه ی عملکردها، باورها و تجربه های مردم بومی فرهنگ های گوناگون، به صورت کتبی یا شفاهی، در جهت نگهداری سلامت، پیشگیری، تشخیص و بهبود یا درمان بیماری های جسمانی و روانی به کار می رود.» سازمان سلامت جهانی همچنین بر پایه ی پژوهشی تحت عنوان «راهبرد پزشکی سنتی برای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴»<sup>۲</sup>، چالش های کاربرد دانش سنتی را چنین برشمرده است:

- دانش سنتی، زمینه های فلسفی و فرهنگی متفاوتی نسبت به دانش جدید دارد، بنابراین با معیارهای جدید قابل بررسی و

پژوهش نیست. دانش سنتی برای پژوهش های خود به روش های خاص نیاز دارد.

- انتقال دانش سنتی به اجتماع جدید باید دوسویه باشد. درک دوسویه، کارایی هر دو دانش سنتی و جدید را افزایش می دهد.

- سودها و هزینه های دانش سنتی و دانش جدید را باید با هم مقایسه کرد و در نظر داشت.

بنابراین، دانش سنتی را نباید به آسانی از نظام رسمی کشور حذف کرد یا آن را بی اهمیت دانست. زیرا نمی توان تجربه های متخصصان سنتی را نادیده انگاشت. اکنون یک پرسش اساسی پیش روی ماست: آیا به راستی نباید دانش سنتی هم جایی در برنامه های درسی زیست شناسی کشورمان داشته باشد؟

سردبیر

زیرنویس

1. Geneva Foundation for Medical Education and Research: <http://www.gfmer.ch/TMCAM/PGC-TMCAM-2004.htm>.
2. "WHO Traditional Medicine Strategy 2002-2004", WHO, Geneva: [http://www.who.int/medicines/library/trm/trm\\_strat\\_eng.pdf](http://www.who.int/medicines/library/trm/trm_strat_eng.pdf).